شهرآرا
روزنامه شهروندی
SHAHRARAONLINE.IR
۳شنبه
۲۳ بهمن ۱۳۹۷
۶جمادی‌الثانی۱۴۴۰
شماره ۲۷۶۲
۱۲
حوادث شهر

مرد ۵۰ساله همسرانش را کشت

تکرار جنایت اصفهان در مشهد

محمدجواد ابوعطا

مردی پنجاه‌ساله که از اصفهان برای دیدن همسر سابقش به مشهد آمده بود، در حالی زنش را خفه کرد که در کمتر از ۲۴ساعت دستگیر و در اعترافی عجیب به کشتن همسر دیگرش در اصفهان نیز اعتراف کرد.

ماجرای این پرونده روز یکشنبه با کشف جسد زنی میان‌سال در دامنه کوه‌های منطقه دلاوران مشهد، آغاز شد. با اعلام کشف جسد، بازپرس ویژه قتل دادسرای عمومی و انقلاب مشهد به همراه تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی در منطقه حاضر شدند.

تیم جنایی با کشف جسد، بررسی‌های تخصصی خود را آغاز کردند که مشخص شد جسد متعلق به زنی چهل‌وپنج‌ساله است و به علت خفگی به قتل رسیده است. با مطرح شدن موضوع قتل، جسد به پزشکی قانونی منتقل و هویت مقتول شناسایی شد.

مأموران با یافتن منزل این فرد به سراغ فرزندان مقتول رفتند. بررسی‌ها نشان می‌داد که این زن میان‌سال دارای ۸سابقه کیفری است و بی‌خانمان بوده است و همچنین فرزندانش از او بی‌خبر بوده‌اند. شواهد حاکی از آن بود که او سال‌ها پیش، از همسرش جدا شده اما به گفته فرزندانش او همچنان باپدرشان در ارتباط بوده است.با مشخص شدن این موضوع تحقیقات قضایی ادامه یافت و هویت همسر سابق مقتول شناسایی شد. کارآگاهان پلیس آگاهی با دستور قاضی احمدی‌نژاد، محل زندگی این مرد را در مشهد شناسایی و او را به عنوان مظنون اصلی پرونده دستگیر کردند.

بررسی پرونده این مرد پنجاه‌ساله نشان می‌داد که او ساکن اصفهان است و از چندی پیش به اتهام قتل همسرش تحت تعقیب قرار گرفته است. با مشخص شدن این موضوع، این فرد به قتل همسر سابقش در مشهد نیز اعتراف کرد.

متهم به قتل در بازجویی‌های تخصصی به قاضی احمدی‌نژاد اعلام کرد: «چندی پیش در پی اختلافاتی با همسرم در اصفهان سر او را بریدم و پلیس و برادران همسرم در تعقیبم بودند که به مشهد آمدم. اینجا دوباره به سراغ همسر سابقم که کارتن‌خواب شده بود، رفتم و با او در ارتباط بودم که روز یکشنبه با یکدیگر دعوا کردیم و او را با دستان خودم خفه کردم.»به گفته متهم این جنایت در منزلی واقع در خیابان شقایق مشهد رخ داده است و سپس جسد را به کوه‌های انتهای بولوار دلاوران مشهد انتقال داده و پس از رها کردن از محل گریخته است. طبق دستور قاضی احمدی‌نژاد تحقیقات درباره پرونده‌های قتل در مشهد و اصفهان آغاز شده است.

نقشه کثیف

راه و بیراه

متین نیشابوری| به شوهرم گفتم این‌ها قابل اعتماد نیستند. حتی وقتی عمویم زنگ زد و نشانی خانه‌اش را داد در جوابش گفت: «ما تا غروب برمی‌گردیم و مشهد نمی‌مانیم. نمی‌توانیم خانه شما بیاییم.» این بار هم سرش بدجور به سنگ زمانه خورد و اگر دیر جنبیده بودیم بلا سرمان می‌آمد.

متأسفانه شوهرم مثل همیشه لج‌بازی کرد و نزدیک بود چوب ندانم‌کاری‌اش را بخوریم. ماجرا از این قرار است که چند روز قبل همسرم برای خرید خودرو از شهرمان به مشهد آمد. می‌گفت هم به جمعه بازار خودرو سر می‌زند و هم چند بنگاه را می‌رود.

روز بعد او با یک ماشین قراضه به شهرمان برگشت. ریخت و ظاهر خودرو را که دیدم غم روی سینه‌ام نشست. اما نمی‌توانستم بگویم با کدام عقل این ابوقراضه را خریده‌ای؟ من اصرار داشتم خودرو برادرم را بخریم و او هم می‌گفت اگر پولش را توی سطل آشغال بریزد به برادرم یک ریال نمی‌دهد و از او خودرو نمی‌خرد.

دو سه روز گذشت. این خودرو خرج روی دستمان گذاشت و بعد هم فهمیدیم مشکل سند و مدارک دارد. بلافاصله به مشهد آمدیم. از ناراحتی و نگرانی نزدیک بود سکته کند. فروشنده خودرو را پیدا کردیم و با خواهش و التماس از او خواستیم خودرو را پس بگیرد. جواب سربالا می‌داد و می‌گفت او هم خودرو را همین طوری خریده است. وقتی گفتیم موضوع را به پلیس اطلاع می‌دهیم بالاخره کوتاه آمد و راضی شد که خودرو را پس بگیرد. قولنامه دست‌نویس بی‌ارزشی که نوشته بودند را پاره کرد و مبلغی از خرید را به حساب شوهرم واریز کرد. اما بقیه پولمان را نقدی داخل یک پلاستیک تحویل داد. از نگاه فردی که همراه فروشنده بود فهمیدم نقشه کثیفی برای پول‌هایمان در سر دارد.

قرار شد این فرد ما را به بانک برساند تا پول‌ها را به حساب شوهرم واریز کنیم. در بین راه اصرار می‌کرد آبمیوه بخوریم. اما به شوهرم گفتم حواسش را جمع کند. وقتی با مقاومت ما روبه‌رو شد به این بهانه که از دستمان ناراحت شده ادعا کرد مسیرش به ما نمی‌خورد. از خودرو او پیاده شدیم و من بلافاصله یک تاکسی دربست گرفتم. تا جلوی بانک، دوست فروشنده خودرو که می‌دید تیرش به سنگ خورده تعقیبمان کرد. دنبال موقعیتی می‌گشت پلاستیک اسکناس را قاپ بزند و فرار کند. من که خیلی ترسیده بودم موضوع را به پلیس اعلام کردم. مأموران کلانتری خودشان را رساندند و با خیال راحت از تاکسی پیاده شدیم و خودمان را به بانک رساندیم.

فرد حقه‌باز که نمی‌دانست پلیس آمده است جلوی بانک سر موضوعی الکی قصد درگیری با شوهرم داشت که نتوانست نقشه‌اش را عملی کند. این ماجرا برای شوهرم تجربه خوبی بود که در هیچ کاری بی‌گدار و بدون مشورت به آب نزند و غرورش را کنار بگذارد.

او با یک ماشین قراضه به شهرمان برگشت. ریخت و ظاهر خودرو را که دیدم غم روی سینه‌ام نشست. اما نمی‌توانستم بگویم با کدام عقل این ابوقراضه را خریده‌ای؟

کشف ۳۰۰۰ کیلوگرم گوشت فاسد

سهیل دیبا| گرانی‌های اخیر که مهم‌ترین مشخصه آن کوچک شدن سفره مردم بوده است، موجب شکل‌گیری سلاطین خرده‌پا در جای‌جای کشور، حتی در روستاها شده است. گران شدن کاغذ، چوب، گوشت و خلاصه همه چیز، موجب شده است تا عده‌ای سودجو با سوءاستفاده از این فضای ملتهب، به دور از چشم بازرسانی که در شناسایی و تنبیه دانه‌ریزها ید طولایی دارند، اقدام به احتکار و ماجراجویی‌های بی‌رحمانه‌ای بکنند.

یکشنبه گذشته مأموران انتظامی شهرستان نیشابور در پیگیری یک پرونده که نشان از احتکار میزان زیادی گوشت داشت، راهی یکی از روستاهای بخش مرکزی این شهرستان شدند.

پیگیری اطلاعات به دست آمده نشان می‌داد که فردی به دپوی یک محموله بزرگ گوشت فاسد اقدام کرده است. مأموران در بررسی‌های بیشتر با شناسایی محل دپوی این محموله فاسد، موضوع را به مقام قضایی اطلاع دادند و در نتیجه با در دست داشتن حکم بازرسی از این انبار، مأموریت خود را با همکاری تیمی از اداره دام‌پزشکی ادامه دادند.

مأموران انتظامی و بازرسان بهداشتی، با مراجعه به در این انبار و داشتن حکم قضایی و با وجود ممانعت مالک‌انبار، وارد این محل شدند و آن را بازرسی کردند.

مأموران در این بازرسی موفق به کشف ۳۰۰۰کیلو گوشت فاسد شدند. با کشف این محموله یک متهم دستگیر و به مراجع قضایی معرفی شد.

دفن جنایت در دره تاریک

پیرمرد سلاخ راز ربودن و کشتن هولناک پسربچه مشهدی را بر ملا کرد

مهدی قرآتی

راز مفقودی پسربچه‌ای دوازده‌ساله در مشهد پس از گذشت ۱۰روز به قتلی فجیع از سوی پیرمردی سلاخ گره خورد.

۱۰روز پیش بود که «میم» پسر بچه دوازده ساله خانه‌شان را برای بازی با بچه‌های همسایه ترک کرد و این آخرین دیدار او با مادرش بود. ساعت از نیمه روز گذشته بود که برنگشتن پسر نوجوان موجی از نگرانی در وجود مادرش انداخت و تاریک شدن هوا، مادر و پدر او را به خیابان‌ها و کوچه‌های روستای زیرکن از توابع مشهد کشاند.

فریادهای پدر و مادر نگران در پی یافتن فرزندشان موجب شد تا اهالی روستا نیز به خیابان بیایند و در پی یافتن این پسر نوجوان با همسایه خود همراه شوند. جست‌وجوهای اهالی روستا ادامه داشت و دامنه آن به بیابان‌های تاریک اطراف گسترش پیدا کرد، اما هیچ اثری از «میم» به دست نیامد.

ساعت به نیمه‌شب نزدیک شده بود که خانواده پسر مفقود شده با پلیس تماس گرفتند و موضوع را به سامانه فوریت‌های ۱۱۰گزارش کردند. پس از اعلام این خبر تیمی از مأموران کلانتری خواجه‌ربیع مشهد در محل روستا حاضر شدند و از همین رو پرونده مفقودی این پسر نوجوان گشوده شد.

طرح فرضیه آدم‌ربایی

مأموران در همان دقایق ابتدایی تحقیقات خود را با ارائه مشخصات فرد مفقود شده و گرفتن استعلام از اورژانس بیمارستان و پزشکی قانونی ادامه دادند اما همچنان اثری از «میم» وجود نداشت. مأموران در مرحله دوم تحقیقات خود فرضیه ربوده شدن این پسر دوازده‌ساله را مطرح کردند و ادامه پیگیری‌ها بر عهده کارآگاهان پلیس آگاهی خراسان‌رضوی قرار گرفت.

کارآگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی در قدم ابتدایی تحقیقات خود به سراغ مادر و پدر «میم» رفتند و ضمن طرح پرسش‌هایی مبنی بر مشکوک بودن آن‌ها به فردی خاص به سرنخی دست یافتند که نشان می‌داد پیرمردی در همسایگی آن‌ها چندروزی دور و بر بچه‌های محل از جمله پسر آن‌ها دیده شده است.با به دست آمدن این اطلاعات موضوع به بازپرس جنایی دادسرای عمومی و انقلاب مشهد اعلام و با دستور قاضی علی‌اکبر احمدی‌نژاد پیرمرد همسایه موقتا بازداشت شد.

اعترافات تکان‌دهنده قاتل

تحقیقات از این مرد پنجاه‌ونه‌ساله ادامه داشت تا اینکه او ماجرای وحشتناکی را روایت کرد و از راز جنایتی هولناک که ۱۰روز آن را کتمان کرده بود پرده برداشت. پیرمرد همسایه که قبلا سلاخ (شخصی که دام را ذبح می‌کند) بوده است، در اعترافاتش به افسر تحقیق پرونده گفت: «۱۰روز پیش به بهانه نشان دادن سگم به سراغ «میم» رفتم و او را به باغم کشاندم. بعد از اینکه وارد باغ شد او را مورد آزار و اذیت قرار دادم اما با مقاومتش روبه‌رو شدم از همین رو چون نمی‌خواستم فریادهای پسر بچه موجب بی‌آبرویی‌ام شود کمربندم را دور گردنش انداختم و او را خفه کردم. هوا تاریک شده بود که بدن بی‌جانش را با خودرو پی‌کی‌ام به جاده نیشابور بردم و در میان راه داخل دره‌ای دفن کردم.»کارآگاهان پلیس پس از به دست آوردن این اطلاعات موضوع را به مقام قضایی اعلام کردند و طولی نکشید که تیم جنایی پرونده به همراه بازپرس احمدی‌نژاد راهی محل دفن جسد پسر نوجوان شدند.

متهم پس از رسیدن به محل مورد نظر، مقام قضایی و مأموران را به دره‌ای که سکانس آخر جنایتش را کامل کرده بود، کشاند. مأموران پس از کمی خاک‌برداری جسد پسر نوجوان را کشف کردند و آخرین قطعه پازل این پرونده را جای خودش قرار دادند.

جسد پس از شناسایی هویت با دستور قضایی برای تعیین دقیق علت مرگ تحویل عوامل پزشکی قانونی شد. پس از کشف جسد، متهم با دستور بازپرس ویژه قتل دادسرای مشهد به صحنه ارتکاب جرم که یک باغ در روستای زیرکن بود منتقل شد و در برابر قاضی احمدی‌نژاد صحنه جرم را بازسازی و برای چندمین مرتبه صراحتا به قتل پسر دوازده‌ساله اعتراف کرد.

به گفته بازپرس ویژه قتل عمد دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه ۲ مشهد، آثار کبودی بر روی گردن متوفی حاکی از انسداد راه تنفسی از طریق اعمال زور از سوی متهم بوده است که البته قاتل نیز طی تحقیقات اولیه و بازسازی صحنه جرم چندین مرتبه صراحتا به خفه کردن مقتول به وسیله کمربندش اعتراف کرده است.

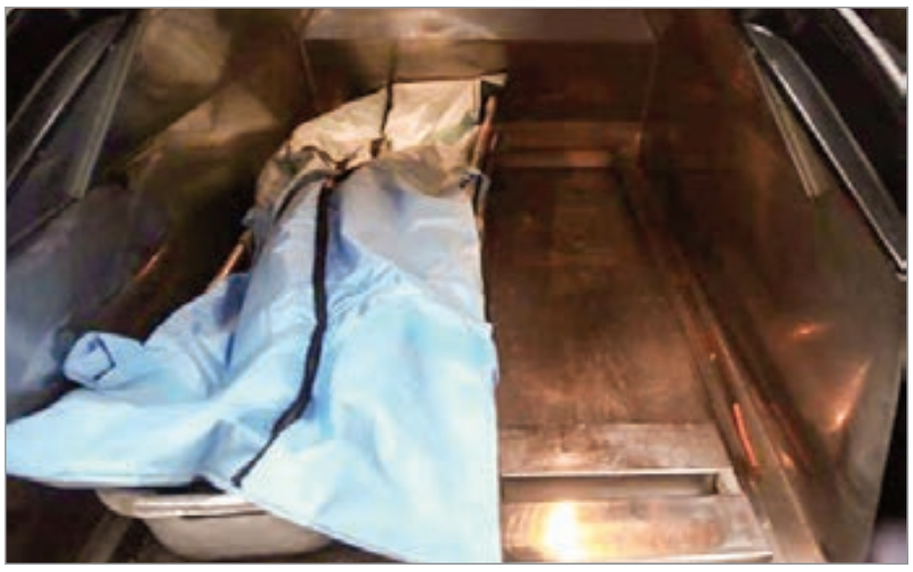

خبر

سرقت میلیاردی ۲کارمند

سیرجانی| اعلام یک سرقت عجیبِ چند میلیادری در یکی از شهرستان‌های خراسان رضوی، تحقیقات گسترده پلیس را در پی‌داشت. مأموران انتظامی تربت‌حیدریه ابتدا به سراغ محل ارتکاب جرم که یک شرکت فرآوری زعفران در این شهرستان بود، رفتند.

مدیر این واحد اعلام کرد:« سارقان در این اقدام مجرمانه حدود ۲۸۰کیلوگرم زعفران خشک به ارزش ۴۲میلیارد ریال را ربوده اند.» مأموران به ۲کارمند این واحد مشکوک شده و پس از اطمینان از دست داشتنشان در سرقت، آن ها را دستگیر کردند. یکی از سارقان اعتراف کرد که به همراه همدستش نقشه سرقت شبانه از شرکت را طراحی و اجرا کرده اند.